

امامان معصوم کشتنی‌های هدایت، الگوها و چراغ‌های تابناکی هستند که ما وظیفه داریم با مراجعه به سخنان و رفتار آنها، مسائل و مشکلات را حل کنیم. در این نوشتار رویکرد امام علی(ع) در مواجهه با اعتراضات و اغتشاشات را بررسی کرده و به این نتیجه رسیده‌ایم که امام علی(ع) می‌دانستند و سعی می‌کردند اعتراض‌های به‌حق، به بیراهه کشیده نشود؛ ولی اگر به اغتشاش منجر می‌شد با راهکارهایی که در مقاله به آن اشاره شده با آن مقابله می‌کردند.***

پیامبران و امامان معصوم(الگوهای هستند که همه وظیفه دارند از گفتار و رفتار آنان درس بیاموزند. به این اصل مهم در قرآن کریم نیز اشاره شده است. قرآن کریم، الگوها و سرمشق‌هایی را در همه زمینه‌ها برای مؤمنان معرفی می‌کند که حضرت ابراهیم(ع) و پیامبر اعظم«ص» از آن جمله‌اند؛ برای نمونه قسران کریم درباره پیامبر اعظم«ص» می‌فرماید: «مسلماً برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی بود، برای آنها که امید به رحمت خدا و روز رستخیز دارند و خدا را بسپارید یا می‌کنند»^(۱) امامان معصوم نیز بهترین الگوها برای ما هستند. امام به معنای پیشواست؛ یعنی کسی که پیشاپیش دیگران حرکت و دیگران را راهنمایی می‌کند. امام خامنه‌ای درباره نقش الگویی حضرت علی(ع)می‌فرماید می‌توان علی را با خود داشت؛ پیشاپیش حرکت خود و پیش روی خود داشت، مشروط بر اینکه ما سیره امیرالمؤمنین و رفتار امیرالمؤمنین را مثل یک سرمشق مورد توجه قرار بدهیم.^(۲) با توجه به این مهم ضروری است با بررسی سیره آن امام، روش مواجهه با اعتراض‌ها و اغتشاش‌ها را بیابیم. در بررسی سیره امام می‌توان به سه گزاره و راهبرد کلیدی دست یافت.

۱) اعتراض، حقی همگانی است.
۲) امام علی(ع) برای پیشگیری از اغتشاش آخرین تلاش خودش را انجام می‌داد.
۳) آن حضرت در مواجهه بااغتشاشات مرحله به مرحله اقدام می‌کرد و برخورد نظامی آخرین مرحله آن بود. در ادامه پس از مفهوم سیاسی- مختصر، این سه راهبرد را توضیح خواهیم داد.

مفهوم شناسی

اعتراض در دانش‌های مختلف معانی متفاوتی دارد. آنچه در این مقاله منظور نظر است، اصطلاح سیاسی آن یعنی مخالفت، رد، عدم قبول، خرده‌گیری، ایراد و نکته‌گیری و عیب‌جویی از دیدگاه‌ها یا عملکرد دیگران^(۳) به‌ویژه مسئولان است.

اغتشاش در لغت به معنای آشوب، انقلاب، بلوا، تنش، شورش، قیام، نهضت، بلشوی، هرج و مرج و… آمده است. ولی معنای آن در اصطلاح سیاسی، آشوب و اقدام همراه با خشونت دسته‌ای از افراد است که در مقابله با نظام حاکم اتفاق می‌افتد و همواره به نظامی و ناامنی با خود به همراه دارد.^(۴) نزدیک‌ترین واژه به شورش و اغتشاش، در منابع اسلامی، واژه «بغی» است. بغی در اصطلاح فقه به‌معنای خروج و شورش علیه امام عادل و برحق

است و کسی که علیه امام عادل شورش کند، باغی نامیده می‌شود^(۵)مهم‌ترین مصادیق «باغیان» در زمان حضرت علی(ع) برپاکندندگان جنگ‌های دوران مانند جمل، صفین و نهروان هستند.^(۶) امام علی(ع) مرز اعتراض مخالفان با آشوب و اغتشاشات را تا مرحله‌ای می‌دانند که حرکت مخالفان سبب مفسده و گسیختگی نظام جامعه اسلامی نشود. چنان‌که درباره اصحاب جمل فرمودند: «این گروه به سبب ناراضیانی از حکومت من به یکدیگر پیوسته‌اند و من تا هنگامی که بر جامعه و اجتماع احساس خطر نکنم، شکیبایی پیشه می‌کنم؛ چه اینکه آنان اگر بر این افکار سست و فاسد باقی بمانند و بخوانند اهداف خود را عملی سازند، نظام جامعه اسلامی از هم گسیخته خواهد شد»^(۷)

در قوانین جمهوری اسلامی ایران نیز به تفکیک بین اعتراض و اغتشاش اشاره شده است. برابر اصل ۲۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها، بدون حمل سلاح، به شرط آنکه محل به مبنای اسلام نباشد آزاد است. در حالی که برابر قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ گروهی که در برابر اساس نظام جمهوری اسلامی ایران، قیام مسلحانه کند، باغی محسوب و در صورت استفاده از سلاح، به مجازات اعدام محکوم می‌شود. شورشیان اگر قبل از درگیری و استفاده از سلاح، دستگیر شوند، به حبس تعزیری محکوم می‌شوند.^(۸)

اعتراض، حقی همگانی

در بررسی سیره امام علی(ع) روشن می‌شود که آن حضرت اعتراض به کارگزاران حکومت را حق همه مردم می‌دانست. مردم براحتی نزد ایشان می‌آمدند و اعتراض خود نسبت به حکومت را بدون کمترین ترسی ابراز می‌کردند. برای نمونه فرماندار حضرت علی(ع) در همدان از زنی به نام سوده چند کیلو گندم اضافه گرفت. سوده برای اعتراض به این رفتار به کوفه آمد و وقتی که امام علی(ع) آمده اقامه نماز مغرب بود، در مسجد نزد حضرت رفت. امام او را دید نشست و فرمود: «حاجتی داری؟ زن ماچرا را شرح داد. امام با شنیدن سخنان سوده گریست و گفت: «خدایا تو گواهی که من آنها را این ستم به مردم دعوت نکردم».

سپس قطعه پوستی گرفت و حکم عزل فرماندار را نوشت و بدون آنکه آن را مهر و موم کند به دست زن داد.بلافاصله پس از بازگشت سوده به «شهر همدان» فرماندار عزل و دیگری به جای او آمد.^(۹) در جراینی دیگر امام(ع) در مسجد کوفه برای مردم سخنرانی می‌کرد. ناگهان، از گوشه مسجد یکی از خوارج به‌پاخاست و با صدای بلند، شعار «لا حکم الا لله» را سر داد. به دنبال او یکی دیگر از خوارج از گوشه دیگر مسجد همین عمل را تکرار کرد و پس از آن گروهی برخاستند و همصدا به دادن شعار پرداختند. حضرت مدتی صبر کرد تا آنها ساکت شلشد، آنگاه فرمود: «سخن حقی است، ولی آنان اهداف باطلی را دنبال می‌کنند.» سپس ادامه داد: «تا وقتی با ما هستید از سه حق برخوردارید: اول اینکه از ورود شما به مساجد جلوگیری نمی‌کنیم و دوم اینکه حقوقتان را از بیت‌المال قطع نمی‌کنیم و سوم اینکه تا اقدام به جنگ نکند یا شما نبرد نمی‌کنیم.»^(۱۰)

پس از بیعت مردم با حضرت علی(ع)، طلحه و زبیر به بهانه زیارت بیت الله از مدینه خارج شدند. امام علی(ع) با آنکه از قصد شوم آنها آگاه بود، ولی تا زمانی که دست به شورش نزده بودند با آنان مقابله نکرد. اما آنگاه که با آشوب و جنگ‌افروزی کبان جامعه اسلامی را به خطر انداختند و در بصره عده‌ای را به شهادت رساندند و عملاً تمام راه‌های مسالمت‌آمیز را بستند، با قاطعیت تمام با فراخواندن نیروهای خود برای دفع فتنه جملیان به سوی بصره حرکت کردند.

امامان معصوم و امامان موعود

شبیه: چگونه می‌توان بااور کرد که پیامبر(ص) و امامان(ع) در آن واحد بتوانند جواب سلام همه انسان‌ها را بدهند و نیازهای همه انسان‌ها را برطرف کنند؟

پاسخ: انسان عادی به دلیل محدودیت‌های وجودی خود، در یک زمان و مکان خاص تنها می‌تواند از امور پیرامون خویش آگاه باشد. ازاین‌رو، این تصور که شخصی بتواند در آن واحد، از احوال، گفتار، اعمال و نیازهای میلیون‌هاانسان در مکان‌ها و زمان‌های گوناگون آگاه باشد و نسبت به آنها واکنش مناسب نشان دهد، در نگاه نخست امری دشوار، غیرعادی یا حتی شبیه به محال به نظر می‌رسد.

با این حال، در اعتقاد شیعه، پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و امامان معصوم(ع) واجد مرتبه‌ای از علم، قدرت و احاطه وجودی‌اند که فراتر از توانایی‌های انسان عادی است و باید در چارچوبی متفاوت تحلیل شود؛ چارچوبی که اندیشمندان مسلمان از آن با عنوان «ولایت تکوینی» یاد می‌کنند. در پرتو این مبنا، پرسش حاضر نه تنها قابل پاسخ، بلکه معقول و منسجم خواهد بود. در ادامه توضیحات بیشتر ارائه می‌شود.

علم و قدرت ویژه اولیای الهی

در پرتو ولایت تکوینی

اطلاع از نیازهای مردم و برآورده کردن حاجات آنها در این سطح و گستره، بی‌تردید امری غیرعادی است؛ اما بی‌عادی نیست، هرگز. به‌منای محال بودن نیست. عقل، تنها اموری را نمی‌کند که مستلزم تناقض ذاتی باشند؛ اما اموری که فراتر از عادت و تجربه روزمره‌اند، مادامی که تناقض‌آمیز نیستند، از نظر عقل ممکن‌اند.

قرآن کریم در مواضع متعددی، افق فهم انسان را فراتر از عادت‌های بشری گسترش می‌دهد و از تحقق اموری سخن می‌گوید که اگرچه از منظر تجربه داند انسان‌ها غیرمتعارف به نظر می‌رسند، اما هرگز در شمار محالات عقلی قرار نمی‌گیرد. سخن گفتن حضرت عیسی(ع) در گهواره^(۱)، آگاهی حضرت سلیمان(ع) از زبان پرندگان^(۲)، و جابجایی تخت بلقیس در زمانی بسیار کوتاه^(۳)، همگی نمونه‌هایی روشن از تصرفاتی‌اند که فراتر چوب آدن الهی رخ داده و نشان‌دهنده فعلیت یافتن قدرت و دانشی فراتر از سطح متعارف تجربه انسانی‌اند.

معارف

MaarefKayhan@Kayhan.ir

رویکرد امیرالمؤمنین(ع)

در مواجهه با اعتراضات و اغتشاشات

دکتر محمدعلی محمدی



امام علی(ع) و پیشگویی از اغتشاش

در زمان امام علی(ع) گاه اعتراض‌ها بسیار جدی می‌شد یا عده‌ای با برنامهریزی قبلی جریان‌های سیاسی را به سوی اغتشاش و مواجهه نظامی با حکومت اسلامی سوق می‌دادند، ولی آن حضرت تمام سعی خودش را انجام می‌داد که اعتراض‌ها به اغتشاش منجر نشود. رویکرد امام در این موارد را می‌توان به شرح زیر تبیین کرد:

الف) خیر خواهی حداکثری

اگر مردم احساس کنند که رهبر و حاکم آنان براستی خیرخواه همگان است، پس از آنکه اعتراض و اشکال خودشان را ابراز کردند به حاکمان فرصت می‌دهند که امور را اصلاح کنند تا کار به اغتشاش نرسد. از این رو رهبران الهی تا آنجا که امکان داشت، به خیرخواهی نسبت به همگان هم می‌گماشتند. حضرت علی(ع) در عهدنامه خود به مالک اشتر، راج خیر خواهی نسبت به همگان حتی مخالفان را این‌گونه تصویر کرده‌اند:

مهربانی، عطف‌وت و نرم‌خویی با مردم را در دل خود جای ده، از صمیم قلب آنان را دوست بدار و به ایشان نیکی کنْ! نسبت به ایشان به سان دُرندای مباح که خورن آنان را انگیخت شماری؛ زیرا مردم دو گروه‌ند، دسته‌ای برادر دینی تو هستند و گروه دیگر در آفرینش همانند تو. اگر گناهی از ایشان سر می‌زند، عیب‌هایی برایشان عارض می‌شود و خواسته و ناخواسته خطایی انجام می‌دهند، آنان را غفو کن و از خطایشان چشم ببوش. همان‌گونه که دوست داری خداوند تو را ببخشد...هیچ گاه از بخشش و گذشت پشیمان نشو و به کیفر و مجازات شادمان مباش. در عمل به خشم و غضبی که می‌توانی خود را از آن برهانی، شتاب نکن.^(۱)

ب) نهایت مدارا

یکی از مهم‌ترین راهبردهای معصومان در مواجهه با معترضان و در راستای پیشگیری از اغتشاش، مدارای حداکثری بود. پس از اینکه حضرت علی(ع) به حکومت رسید، عده اندکی سسر به اعتراض برداشتند. امام علی(ع) نه تنها

با آنان مواجهه قهرآمیز نداشت، بلکه تا آنجا که ممکن بود با آنها مدارا می‌کرد. حتی حقوق آنها از بیت‌المال را هم قطع نکرد.^(۲) رویکرد اسام در مواجهه با خوارج نیز قبل از اینکه سلاح به دست بگیرند و در مقابل حکومت اسلامی صف‌آرایی کنند مدارای حداکثری بود. روزی امام علی(ع) یاران خودشان را نصیحت می‌کرد که در مواجهه با نامرجم چگونه رفتار کنند. یکی از خوارج گفت: «خداوند این کافر را بکشد، چقدر دانا و فقیه است!» اصحاب یورش بردند که او را بکشند، امام فرمود: «ارام باشید! جواب دشنام، دشنام است یا گذشت از گناه».^(۳) امام علی(ع) در مواجهه با معاویه نیز در ابتدا رویکرد مدارای حداکثری را در پیش گرفت. ایشان سعی کرد از هر وسیله ممکن استفاده کند تا شاید بتواند معاویه را از شورش بازدارد و از خونریزی کشته شدن مسلمانان جلوگیری کند. ابتدا جریر بن عبدالله را که سابقه دوستی و رفاقت با معاویه داشت برای گرفتن بیعت از معاویه و اهل شام به آنجا اعزام کرد.^(۴) ولی معاویه از حسن نیت و صداقت امام نهایت سوءاستفاده را به نفع خود کرد و به دلیل اینکه در آن زمان آمادگی کامل برای مقابله با حضرت علی(ع) را نداشت و از نظر تبلیغاتی در وضعیت نامناسبی به سر نمی‌برد به سیاست وقت‌کشی روی آورد و حدود چهار ماه جریر بن عبدالله را در شام نگه داشت و هر روز به بهانه‌های مختلف از دادن پاسخ صریح به او خودداری می‌کرد.^(۵)

او در این مدت توانست عبدالله بن عمر، عمروعاص و عده دیگری به‌ویژه سران قبایل شام به اعتراض برداشتند. امام علی(ع) نه تنها

در روایات متعددی، از پیامبر اکرم و امامان(ع) با عنوان «تو» یاد شده است؛ از جمله اینکه نخستین مخلوق الهی، نور پیامبر و اهل‌بیت بوده یا اینکه آنان نیز عظمت الهی را یافته بودند.^(۱) هرچند حقیقت این روایت‌برای ما به‌طور کامل قابل درک نیست، اما روشن است که این مرتبه وجودی، غیرمادی و دارای احاطهای فراگیراست. چنین وجودی، به دلیل احاطه وجودی بر مراتب عالم، می‌تواند نسبت به حوادث، اعمال و احوال بندگان، نوعی علم حضوری و اشراق نوری داشته باشد؛ همان‌گونه که خداوند بر مخلوقات خود احاطه حضوری دارد، بی‌آنکه به زمان و مکان وابسته باشد. از همین رو، امامان(ع) که مظهر اسماء و صفات الهی‌اند، همین‌ند دارند که جلوه‌ای از علم الهی است و محدود به شرایط عادی انسانی نیست.

به عنوان مثال، امام صادق(ع) می‌فرماید: «در مورد شما هیچ امری واقع نمی‌شود مگر اینکه ما از آن بی‌دانیم»^(۲) درباره چگونگی این آگاهی، روایات چند مسیر را نشان می‌دهد که منافاتی با یکدیگر ندارند: ۱- **نگاه مستقیم از برج بلند:** همان‌طور که نگهبان برج مراقبت، همه‌چیز را از بالا می‌بیند، پیامبر و امامان(ع) نیز به آن الهی، مستقیم شاهد اعمال بندگان هستند. در برخی روایات آمده است که ایشان «چشم خدا در میان مخلوقات» هستند^(۳)، یعنی همان‌گونه که یک دیدهمان همه‌چیز را زیر نظر می‌تواند ببیند.

در این چارچوب، پاسخ‌گویی اولیای الهی به حاجات تبت پادشاهی که نه محال است و نه در رقابت با ربوبیت الهی، بلکه جلوه‌ای از گسترتش ظرفیت وجودی انسان کامل در پرتو قرب الهی است.^(۴) مقایسه علم و آگاهی پیامبر و امام با علم انسان‌های عادی، مقایسه‌ای نامبر و گمراه‌کننده است؛ زیرا علم دیگران، محدود به زمان و مکان خاص و وابسته به ابزار حسی و تجربی است، در حالی که علم اولیای الهی، ریشه در مرتبه‌ای فراتر از عالم مادی دارد. **وقتی گفته می‌شود پیامبر یا امام، «حاضر و ناظر»** است، مقصود این نیست که آنان با چشم سر همه انسان‌ها را می‌بینند یا در همه مکان‌ها حضور فیزیکی دارند؛ همان‌گونه که یک دیدهمان همه‌چیز را زیر نظر می‌تواند ببیند.

در این چارچوب، پاسخ‌گویی اولیای الهی به حاجات تبت پادشاهی که نه محال است و نه در رقابت با ربوبیت الهی، بلکه جلوه‌ای از گسترتش ظرفیت وجودی انسان کامل در پرتو قرب الهی است.^(۵) مقایسه علم و آگاهی پیامبر و امام با علم انسان‌های عادی، مقایسه‌ای نامبر و گمراه‌کننده است؛ زیرا علم دیگران، محدود به زمان و مکان خاص و وابسته به ابزار حسی و تجربی است، در حالی که علم اولیای الهی، ریشه در مرتبه‌ای فراتر از عالم مادی دارد. **وقتی گفته می‌شود پیامبر یا امام، «حاضر و ناظر»** است، مقصود این نیست که آنان با چشم سر همه انسان‌ها را می‌بینند یا در همه مکان‌ها حضور فیزیکی دارند؛ همان‌گونه که یک دیدهمان همه‌چیز را زیر نظر می‌تواند ببیند.

در این چارچوب، پاسخ‌گویی اولیای الهی به حاجات تبت پادشاهی که نه محال است و نه در رقابت با ربوبیت الهی، بلکه جلوه‌ای از گسترتش ظرفیت وجودی انسان کامل در پرتو قرب الهی است.^(۶) مقایسه علم و آگاهی پیامبر و امام با علم انسان‌های عادی، مقایسه‌ای نامبر و گمراه‌کننده است؛ زیرا علم دیگران، محدود به زمان و مکان خاص و وابسته به ابزار حسی و تجربی است، در حالی که علم اولیای الهی، ریشه در مرتبه‌ای فراتر از عالم مادی دارد. **وقتی گفته می‌شود پیامبر یا امام، «حاضر و ناظر»** است، مقصود این نیست که آنان با چشم سر همه انسان‌ها را می‌بینند یا در همه مکان‌ها حضور فیزیکی دارند؛ همان‌گونه که یک دیدهمان همه‌چیز را زیر نظر می‌تواند ببیند.

ولی سخنان آنها نتوانست خوارج را از خواب غفلت بیدار کند و بدون نتیجه به سوی امام بازگشتند. آنگاه امام شخصاً به اردوگاه آنها رفت و با ایشان به گفت‌وگو پرداخت. در این گفت‌وگو سخنان زیادی بین آن حضرت و خوارج ردّ و بدل شد و امام به همه شبیهات آنها پاسخ گفت.^(۷)

تلاش‌های حضرت در مواجهه با معترضان و تبلیغ چهره به چهره در موارد فراوانی نتیجه‌بخش بود، چنان‌که در یک مورد حدود دو هزار نفر از خوارج توبه کردند و به مسیر حق بازگشتند. ولی در مواردی نیز به دلیل عناد و لجابت آنها به نتیجه دلخواه نمی‌رسید.^(۸)

پیش از شروع جنگ نهروان نیز امام(ع) به این رویکرد ادامه داد. در یک مورد امام از خوارج خواست دوازده نفر را از بین خود انتخاب کنند و خود نیز به همین تعداد جدا کرد و با آنها به گفت‌وگو پرداخت. در پایان این گفت‌وگو عبدالله بن کواء که از رهبران آنان بود با پانصد نفر از خوارج جدا شد و به یاران حضرت پیوست.^(۹)

امام علی(ع) و مواجهه گام به گام با اغتشاش

رویکرد امام در مواجهه گام به گام با اغتشاش را می‌توان در امور زیر تبیین کرد:
الف) گشودن راه بازگشت
پس از آنکه آشوب فراگیر می‌شد و عده‌ای در آن گرفتار می‌شدند و امام مجبور به مواجهه با اغتشاشگران می‌شد، یکی دیگر از اقدامات امام در مواجهه با شورشیان، باز گذاشتن راه توبه و بازگشت برای آنان بود. پس از آنکه خوارج در نهروان جمع شدند و همه راه‌های گفت‌وگو را بستند، امام پس از آرایش سپاه خویش، در بخش سواره نظام پرچم آمانی برافراشت و به ابولوبب انصاری دستور داد که فریاد زند: راه بازگشت باز

امام علی(ع) مرز اعتراض مخالفان با آشوب و اغتشاش را تا مرحله‌ای می‌دانند که حرکت مخالفان سبب مفسده و گسیختگی نظام جامعه اسلامی نشود. چنان‌که درباره اصحاب جمل فرمودند: «این گروه به سبب ناراضیانی از حکومت من به یکدیگر پیوسته‌اند و من تا هنگامی که بر جامعه و اجتماع احساس خطر نکنم شکیبایی پیشه می‌کنم؛ چه اینکه آنان اگر بر این افکار سست و فاسد باقی بمانند و بخوانند اهداف خود را عملی سازند، نظام جامعه اسلامی از هم گسیخته خواهد شد.»

امامان معصوم و امامان موعود

است و کسانی که به دور این پرچم گرد آیند توبه آنان پذیرفته می‌شود و هر کس وارد کوفه یا از این گروه جدا شود، در امن و امان است.^(۱) این اقدام اسام در کنار اقدامات قبلی به‌ویژه جهاد تبیین و گفت‌وگوه‌ای امام و یاران آن حضرت ۸۰۰۰ نفر از ۱۲۰۰۰ نفر از خوارج جدا شدند و توبه کردند و ۴۰۰۰ نفر به عتاد و اباجات خود ادامه دادند و به جنگ مسلحانه روی آوردند که امام آنان را با شدت سرکوب کرد.^(۲)

ب) تفکیک بین افراد مغرض و ناآگاه
در غالب آشوب‌ها، بسیاری از افراد آلت دست و دیگ‌ران و به موجب‌های فتنه همراه می‌شوند، در حالی که عده‌ای دیگر سوار بر موج می‌شوند و سعی می‌کنند با آشوب‌آفرینی به اهداف پلید خود برسند. حاکمان عادل و دلسوز بین این دو گروه تفاوت می‌دانند، امیر مؤمنان(ع) حاضر نشد مقابله به مثل کند و آب را بر روی آنان بیند. همه این موارد نشان‌دهنده مدارای حداکثری امام در برابر معترضان است.

ج) تبلیغ چهره به چهره

یکی از اقدامات حضرت علی(ع) برای پیشگیری از شورش و اغتشاش، فرستادن اشخاص سرشناس و دانشمند برای هدایت و راهنمایی معترضان بود. برای نمونه آن حضرت برای هدایت خوارج به پیشگیری از شورش نظامی و حدود هفتاد معترضان، ابن‌عباس را که در بحث و گفت‌وگو مهارت زیادی داشت به سوی آنها فرستاد تا با آنها به گفت‌وگو بپردازد و اشکالاتشان را پاسخ گوید.^(۳) پس از او بزرگانی همچون مصعبه بن صوحان، زیاد بن نضر را برای نصیحت آنان فرستاد، کسی کدام مسیر را طی خواهد کرد. پیامبر و امامان نیز به آن الهی، از گذشته، حال و آینده آگاهند. چنان‌که امام صادق(ع) فرمودند: «رسول خدا علم آنچه گذشته و آنچه تا قیامت رخ خواهد داد در یافت کرده و ما آن را از او به ارث برده‌ایم»^(۴)

۳- گزارش‌هایی که به دستشان می‌رسد:
درست مانند مدیری که گزارش‌های روزانه کارکنان را دریافت می‌کند، اعمال ما نیز به دست پیامبر و امامان می‌رسد. فرشتگان اعمال ما را ثبت می‌کنند و در زمان‌های مشخص، آنها را به محضر حضرات معصومین عرضه می‌کنند. این همان چیزی است که در روایات از آن به‌عنوان «عرضه اعمال» یاد شده است.^(۱)

نکته مهم این است که این‌سه احتمال با یکدیگر منافاتی ندارند، بلکه ممکن است همه آن احتمالات به شکلی در جریان باشند. به این معنا که امامان هم به‌طور مستقیم اعمال را مشاهده می‌کنند، هم از علم پیشین برخوردارند و هم گزارش‌های آنان از سوی فرشتگان دریافت می‌کنند. مجموع این شواهد نشان می‌دهد که اشراق اولیای الهی بر عالم، اشراقی ویژه و نوری است که نمی‌توان آن را با علم محدود و تدریجی انسان‌های عادی ستجید؛ و همین گستره وجودی، توسل و توجه به آنان را معقول و معنادار می‌سازد.

برکات پاسخ سلام و اجابت دعا نیز مستقیماً از منبع فیض الهی سرچشمه می‌گیرد و اثر آن غیرقابل انکار است. درخصوص چگونگی پاسخگویی به حجم انبوه سلام‌ها و دعاها، می‌توان سه احتمال را در نظر گرفت:

۱. وسعت قدرت و وجودی معصومان:
همان‌گونه که پیشتر بیان شد، علم و اشراق آنان بر گفتار و کردار خلق بی‌حد و مرز است. این وسعت اجابت عادی محدود به زمان و مکان است و نمی‌تواند همزمان بر کارها و نیازهای میلیون‌ها نفر آگاه باشد، اما پیامبر و امامان معصوم به دلیل مرتبه ویژه وجودی و اشراق نوری خود، از این محدودیت‌ها فراتر می‌روند. علم و قدرت آنان، ناشی از ولایت تکوینی و نزدیکی به خداوند است و شامل شناخت گذشته و آینده، احوال پنهان بندگان و تصرف در امور عالم به آن الهی می‌شود.

این وسعت وجودی، پاسخ سلام و دعاها، مردم را ممکن می‌سازد. آنان می‌توانند همزمان به هزاران سلام پاسخ دهند و دعاها را به شیوه‌ای مطابق خیر و صلاح بندگان مستجاب کنند.

ایین امر از طریق وسعت قدرت، جمع‌پذیری اعمال و دعاها و همچنین استفاده از علل و اسباب میانی تحقق می‌یابد.بنابراین، اجابت نیازهای انسان‌ها توسط اولیای الهی نه تنها غیرممکن نیست، بلکه جلوه‌ای از مدیریت حکیمانه جهان و تجلی رحمت بی‌حد خداوند است.

بی‌نهایت...
۱- مریم: آیه ۲۹.
۲- نمل: آیه ۱۶.
۳- نمل: آیه ۲۸-۳۸.
۴- کهف: آیت ۶۰-۸۲.
۵- سجده: جعفر، مشهور جاوید، قم، مؤسسه امام صادق، ۱۳۷۸-۱۳۷۹ و ۱۷۹-۱۸۴ و ۱۸۵.
۶- کلینی: محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۴۴، ج ۱، ص ۱۲۵، مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، روبروت، مؤسسه السوال، چاپ دوم، ۱۴۰۲، ج ۵۴، ص ۱۷۰ و ج ۱۵، ص ۲۴.
۷- فقر: محمد بن حسن، بشار الدرجات، تهران، منشورات الاعلمی، ۱۴۰۴، ص ۴۱۶.
۸- مجلسی، محمد بن حسین، بحارالانوار، ج ۵، ص ۳۴۴.
۹- همان، ص ۳۴۶.
۱۰- همان، ج ۱۷، ص ۱۴۵.
۱۱- فقر، بشار الدرجات، صص ۲۴۶، ۲۴۹ و ۴۲۹.
۱۲- شیخ طوسی، محمد بن حسن، امالی، قم، دار الثقافة، چاپ اول، ۱۴۱۴ (ص ۶۸)

صفحه ۶

شنبه ۱۸ بهمن ۱۴۰۴

۱۸ شعبان ۱۴۴۷ – شماره ۲۴۰۷۲

در بررسی سیره امام علی(ع) روشن می‌شود که آن حضرت اعتراض به کارگزاران حکومت را حق همه مردم می‌دانست. مردم براحتی نزد ایشان می‌آمدند و اعتراض خود نسبت به حکومت را بدون کمترین ترسی ابراز می‌کردند.

امامان معصوم و امامان موعود

کشته شدن، فرمان جنگ صادر نمی‌کند! و بعضی می‌گویند در مبارزه و جنگ با شامیان تردید دارد. حضرت در پاسخ ایشان فرمود: «اما اینکه می‌گویند آیا این تأخیر به خاطر ترس از مرگ است، به خدا سوگند باک ندارم، من به سوی مرگ روم یا مرگ به سوی من ایذا اما اینکه می‌گویند در مبارزه با شامیان تردید داشته باشم، هرگز چنین نیست، به خدا سوگند! حتی یک روز جنگ را به تأخیر نیندازم مگر آنکه امیدوار بودم، عده‌ای از آنها به ما پیوسته و هدایت شوند و در لابه‌لای تاریکی‌ها پرتوی از نور مرا ببینند و به سوی من آیند و برای من از کشتار آنان در راه گمراهی بهتر است...»

ج) قاطعیت
آنگاه که روش‌های پیش گفته کارگر نیفتاد و اغتشاشگران کمر به نابودی حکومت اسلامی بستند، امام علی(ع) با قاطعیت با آنان مواجه شد و چشم فتنه را کور کرد. برای نمونه پس از بیعت مردم با آن حضرت، طلحه و زبیر به بهانه زیارت بیت الله از مدینه خارج شدند. امام علی(ع) با آنکه از قصد شوم آنها آگاه بود، ولی تا زمانی که دست به شورش نزده بودند با آنان مقابله نکرد. اما آنگاه که با آشوب و جنگ‌افروزی کبان جامعه اسلامی را به خطر انداختند و در بصره عده‌ای را به شهادت رساندند و عملاً تمام راه‌های مسالمت‌آمیز را بستند، با قاطعیت تمام با فراخواندن نیروهای خود برای دفع فتنه جملیان به سوی بصره حرکت کردند.

حضرت در جواب جمعی از سربازان که ایشان را از تعقیب طلحه و زبیر منع می‌کردند، فرمودند: «به خدا سوگند، من چون گفتار نباشم که با اهنگ به خوایش کنند و فریبش دهند و شکارش کنند، من تا زنده‌ام، با یاری جویندگان حق و فرمانبران یکسدل، به رویگردانان از حق و نافرمانان بددل قواولاحکم»^(۱) و نیز فرمودند: «اگر سر باز زنند، تیغ تیز در کار است که درمان نابکار است و حق را یار. شگفتا از من می‌خوانند به میدان کارزار آیم و در نبرد پایداری کنم، مادرشان بر آنان بگرید. تاکنون کسی مرا به خدای خود یقین دارم و در دین خود شبهه‌ای ندارم.»^(۲)

۱- https://farsi.khamenei.ir/۲۱,۱۲,۱۸-۲۸,۳۲-۸0332-speech-content?cid=3- لغتنامه دهخدا، ذیل واژه ۴- ر.ک، فرهنگ عمید، ذیل قول‌المطه، ص ۱۲۹. ۵- بلاذری، اسباب‌الاشراج، ص ۳۹۵. ۶- نهج‌البلاغه، خطبه ۵۳. ۷- ابن ابی الحدید، شرح نهج‌البلاغه، ج ۱، ص ۱۱۸. ۸- نهج‌البلاغه، حکمت ۱۴- یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۸۴. ۹- رسول جعفریان، سیرت خلفا، ص ۲۸۲. ۱۶- جعفر سبحانی، فروغ ولایت، ص ۶۲۲. ۱۷- همان، ص ۶۲۷. ۱۸- همان، صص ۶۲۸-۶۲۶. ۱۹- بلاذری، اسباب‌الاشراج، ج ۲، ص ۳۵۴. ۲۰- همان، ج ۲، صص ۳۳۰-۳۴۲. ۲۱- عسمر الفوج، ج ۴، صص ۱۲۵-۱۲۱. ۲۲- نهج‌البلاغه، خطبه ۲۳- همان، خطبه ۲۲. ۲۳- از پاسدار اسلام شماره ۴۸۱-۴۸۲

متناسب با آن پاسخ می‌دهد.^(۱) این سوارکار نشان می‌دهد که اجابت دعا و پاسخ سلام، همزمان با وسعت علم و قدرت ولی الهی، به شکلی هماهنگ و جامع تحقق می‌یابد.

نتیجه

با توجه به آنچه بیان شد، روشن می‌شود که توانایی پیامبر و امامان(ع) در پاسخگویی به احوال و نیازهای همه انسان‌ها هم ممکن و هم منطقی است. اجابت عادی محدود به زمان و مکان است و نمی‌تواند همزمان بر کارها و نیازهای میلیون‌ها نفر آگاه باشد، اما پیامبر و امامان معصوم به دلیل مرتبه ویژه وجودی و اشراق نوری خود، از این محدودیت‌ها فراتر می‌روند. علم و قدرت آنان، ناشی از ولایت تکوینی و نزدیکی به خداوند است و شامل شناخت گذشته و آینده، احوال پنهان بندگان و تصرف در امور عالم به آن الهی می‌شود.

این وسعت وجودی، پاسخ سلام و دعاها، مردم را ممکن می‌سازد. آنان می‌توانند همزمان به هزاران سلام پاسخ دهند و دعاها را به شیوه‌ای مطابق خیر و صلاح بندگان مستجاب کنند.

ایین امر از طریق وسعت قدرت، جمع‌پذیری اعمال و دعاها و همچنین استفاده از علل و اسباب میانی تحقق می‌یابد.بنابراین، اجابت نیازهای انسان‌ها توسط اولیای الهی نه تنها غیرممکن نیست، بلکه جلوه‌ای از مدیریت حکیمانه جهان و تجلی رحمت بی‌حد خداوند است.

بی‌نهایت...
۱- مریم: آیه ۲۹.
۲- نمل: آیه ۱۶.
۳- نمل: آیه ۲۸-۳۸.
۴- کهف: آیت ۶۰-۸۲.
۵- سجده: جعفر، مشهور جاوید، قم، مؤسسه امام صادق، ۱۳۷۸-۱۳۷۹ و ۱۷۹-۱۸۴ و ۱۸۵.
۶- کلینی: محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۴۴، ج ۱، ص ۱۲۵، مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، روبروت، مؤسسه السوال، چاپ دوم، ۱۴۰۲، ج ۵۴، ص ۱۷۰ و ج ۱۵، ص ۲۴.
۷- فقر: محمد بن حسن، بشار الدرجات، تهران، منشورات الاعلمی، ۱۴۰۴، ص ۴۱۶.
۸- مجلسی، محمد بن حسین، بحارالانوار، ج ۵، ص ۳۴۴.
۹- همان، ص ۳۴۶.
۱۰- همان، ج ۱۷، ص ۱۴۵.
۱۱- فقر، بشار الدرجات، صص ۲۴۶، ۲۴۹ و ۴۲۹.
۱۲- شیخ طوسی، محمد بن حسن، امالی، قم، دار الثقافة، چاپ اول، ۱۴۱۴ (ص ۶۸)